

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مآخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مآخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم

فهرست مطالب

| | |
|-----|--|
| ۷ | قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در تعزیرات |
| ۱۹ | سعادت انسان در اندیشه امام سجاد(ع) |
| ۴۷ | بررسی معجزه از دیدگاه دیوید هیوم و نقد آن |
| ۶۵ | آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره) و فارابی |
| ۸۳ | اقدامات اقتصادی امام حسن عسکری(ع) جهت کسب درآمد |
| ۱۰۵ | فوائد فلسفه فقه |
| ۱۲۱ | راهکارهای گسترش حجاب در جامعه |
| ۱۴۵ | عوامل تهدید بنیان خانواده در قرآن و روایات |
| ۱۶۹ | مسئولیت کیفری اطفال در قوانین ایران، افغانستان و اسناد بین الملل |
| ۱۸۵ | آزادی، انواع و حدود آن از دیدگاه اسلام و اندیشمندان اسلامی |
| ۲۲۵ | غلبه دین حق بر تمام ادیان |
| ۲۴۹ | جریان شناسی تفسیر عرفانی در اندلس |

قرآن پژوهی سیاست جنایی اسلام در تعزیرات

سید محمد حسینی دره‌صوفی^۱

چکیده:

تعزیر نوعی مجازاتی است که مقدار و اندازه آن در اختیار حاکم شرع قرار داده شده است تا متناسب با جرمهای که مقدار مجازات آن در شرع معین نشده است، اعمال نفوذ کند. قرآن کریم اساس تشریح است و سیاست جنایی اسلامی باید متخذ از قرآن و مطابق با رهنمودهای قرآن باشد و لذا در این پژوهش بنا بر آن شد که جایگاه تعزیر و مراحل آن طبق فرمایشات قرآن کریم تبیین شود. ضرورت بحث بدان جهت است که تعزیرهای انجام شده در جوامع اسلامی مخالف دستورات شریعت بویژه قرآن نباشد تا نتیجه منفی به همراه نداشته باشد. روش پژوهش توصیفی و تحلیل است و روش گردآوری آن داده‌های کتابخانهای و پایگاههای دیجیتالی است. یافته‌های محصول این پژوهش عبارت است از اینکه طبق دستورات قرآن کریم، تعزیر دارای سه مرحله است و موعظه و نصیحت لسانی؛ مبارزه منفی از طریق قهر کردن، طرد کردن، بی‌محلی کردن؛ زدن و مجازات که این ضرب در هر جرمی متناسب با همان جرم است.

کلید واژه: تعزیر، ویژگیهای تعزیر، مراتب تعزیر، در اختیار حاکم بودن مقدار تعزیر، تشدید مجازات در تعزیر، درجه‌بندی تعزیر.

۱. دانش‌پژوه دکتری فقه و حقوق قضایی، گرایش جزا جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه،

۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان منشأ شریعت اسلامی، راهکارهای کلی و اساسی را جهت هدایت بشر و تکامل و ترقی او در زندگی مادی و معنویش، ارائه کرده است. یکی از این راهکارها، نحوه برخورد با مجرمین است که اگر شخصی مرتکب جرم شد چگونه باید با او برخورد شود تا هم به نفع مجرم و اصلاح‌پذیری او باشد و هم به نفع جامعه.

سیاست جنایی اسلام، برای هر جرمی و گناه و خطا و انحرافی، مجازات متناسب با آن را وضع نموده است.

در یک نگاه کلی، میتوان جرایم را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. دسته از جرایم شکل و نحوه و کیفیت مشخصی دارند مثل زنا، سرقت، قذف، قتل، محاربه و....

اسلام برای این جرایم مجازات مشخصی وضع نموده مثل قطع دست برای سرقت، تازیانه برای قذف، شلاق برای نوعی از زنا و رجم برای نوعی دیگر و... این مجازاتهای شکل ثابتی دارد، موجب آن، موضوع و مقدار آن به صورت دقیق در شرع بیان شده است. به این جرایم، جرائم حدی گفته می‌شود.

۲. نوعی دیگری از جرایم وجود دارد که اصل آن در شرع صراحتاً مورد بحث قرار گرفته و جرم‌انگاری شده است؛ اما مجازات دقیقی برای آن معین نشده است، مثل خوابیدن دومرد برهنه زیر یک لحاف. دلیل آن نیز این است که در هر عصر و زمانی این جرم‌ها شکل خاصی می‌یابد و حاکم شرع نیز باید مجازات متناسب با شرایط و اوضاع و احوال همان زمان را بر آن جرم اعمال کند. این قبیل از جرایم را جرایم تعزیری می‌گویند

۳. دسته دیگر از جرایم صراحتاً در روایات و فقه عنوان نشده است؛ بلکه تنها از عموماًت و قواعد کلی قابل برداشت است. مثل جرایم سایبری، سرقت‌های رایان‌های، جرایم یقه سفیدان، جرایم بانکی و... که همگام با پیشرفت صنعت و

تکنولوژی؛ هر روزه عناوین مجرمانه جدیدی به وجود می‌آید. این قبیل از جرایم نه اصلشان در قرآن و روایات مورد بحث است و نه مورد جرم انگاری قرار گرفته است.

یکی از دلایل اینکه می‌فرماید: «التعزیر بمایراه الحاکم»؛ نوظهور بودن بسیاری از جرایم است که اگر قرار باشد فقط به مجازات مجرمینی پرداخته شود که جرمشان در فقه بیان شده و مقدار جرم نیز مشخص شده است؛ اختلال نظام لازم می‌آید؛ چرا که امروزه اکثر جرایم نوظهور، در فقه قدیم مورد بحث واقع نشده است.

طبق سیاست جنایی اسلام، هیچ مجازات تعزیری، بدون دستور قبلی و نص شرعی اجرا نمی‌شود؛ اما سیاست جنایی اسلام، آنگونه که در جرایم حدی با مجرم برخورد نموده، در جرایم تعزیری روش دیگری را در پیش گرفته است. در جرایمی تعزیری، دست حاکم را باز گذاشته است و این به خاطر شرایطی است که در هر زمان و مکانی انعطاف‌پذیر است و طبیعت تعزیر و مصلحة عمومی چنین توسعه را اقتضا می‌کند. در جرایم تعزیری، حاکم مقدار و نوع مجازات را انتخاب می‌کند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعزیر در لغت و اصطلاح

تعزیر مفرد و جمعش تعزیرات از ماده عزز گرفته شده است. بیش از ۱۲ معنا برای تعزیر در کتب لغت ذکر شده است که بعضا با هم متضادند.

تعزیر به معنای رد و منع است (ابن اثیر، بیتا، ج ۳، ص ۲۸۸). طبق این معنا تعزیر یعنی مجازاتی که جانی را از ارتکاب مجدد آن منع می‌کند. تعزیر به معنای تأدیب نیز آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۶، ج ۹، ص ۱۸۴). در جایی دیگری تعزیر به معنای احترام و تعظیم آمده است که ضد معانی قبل است (ابن منظور، همان، ج ۴، ص ۵۶۲؛ زجاجی و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۳۷).

به لحاظ فقهی، تعاریف هر چند متعدد و در الفاظ متفاوتند؛ اما عموماً از یک عنصر مشترک استفاده شده است و آن هم «معین نبودن مقدار مجازات تعزیری» است. بنابراین در تعریف فقهی، تعزیر عبارت است از مجازاتی که اصل آن در شرع

بیان شده است؛ اما اندازه و کیفیت آن نامعلوم است (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۴۹۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۳۲۶). در نتیجه تعزیر مجازاتی است که کیفیت و مقدار آن به حاکم شرع واگذار شده است و این یکی از دلایل پویا بودن فقه اسلام است که حاکم در هر زمانی بتواند مجازات مناسب با شرایط و اوضاع و احوال همان زمان را با در نظر گرفتن جرم و مجرم و نوع جرم اعمال کند.

۳. ویژگیهای تعزیر

تعزیر ویژگیهای دارد که در حدود و قصاص نیست

۱-۳. غیر مقدر بودن

مقدار مجازات تعزیری در شرع بیان نشده است و به قاضی واجد شرایط، اختیار داده شده است که مقدار آن را متناسب با نوع جرم و مجرم و شرایط زمانی و مکانی و مصلحت فردی و اجتماعی، انتخاب کند؛ اما طبق نظر فقهای شیعه، حد اکثر تعزیر نباید بیشتر از حد شرعی باشد.

حاکم مخیر است که مرتکب را هر جور که مایل است طبق موازین شرعی مجازات کند. قدر مشخصی در تعزیر وجود ندارد و این بستگی به شرایط زمانی و مکانی و نوع جرم و وضعیت مجرم دارد. واگذاری مقدار تعزیر به حاکم شرع، به دلیل حسبه بودن تعزیر است؛ چون حاکم شرع در امور حسبه ولایت دارد (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۷، ص ۲۴۸ و ج ۲۸، ص ۱۵۴ و ۱۴۵ و ۲۲۹).

به نظر مشهور فقها تعزیر باید کمتر از حد باشد؛ اما با بررسی ادله آنان مشخص می شود که چنین تصریحی در روایات وجود ندارد و ادله قائلین، بیشتر استحسانات عقلی است و حجت نمی باشد. برخی از روایاتی که برای تعزیر، مقدار مشخص می کند، از باب تطبیق کلی بر فرد است و از باب حکومت امام و اختیار او بر انتخاب نوع مجازات و مقدار آن است. پس اصل این است که مقدار مشخصی برای تعزیر بیان نشده است (محمد علی طالبی آشتیانی و احمد باقری، ۲۰۱۹، ص ۷۳-۷۱).

۲-۲. جواز تبدیل نوعی از مجازات به نوعی دیگر

قاضی می‌تواند مجازات شلاق را به تبعید یا حبس تبدیل کند بر خلاف حدود که هر حدی باید دقیقاً طبق نص شرعی اجرا شود. مثلاً حد قذف شلاق است و نمی‌توان شلاق را به حبس تبدیل کرد. برخلاف مجازاتهای تعزیری که قابلیت تبدیل دارد مثل تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی و... که در قانون هم منعکس شده است (قانون کاهش مجازات تعزیری، مصوب ۱۳۹۹).

تبدیل یک نوع از مجازات تعزیری به نوع دیگر مثل خریدن حبس و... ریشه در همان اختیاری است که حاکم شرع دارد. وقتی مقدار مجازات در اختیار حاکم شرع باشد، او می‌تواند در قدم اول با توجه به شرایط و مصالحی، دستور به حبس بدهد؛ اما با گذشت زمان و احتمال اصلاح مجرم، با تبدیل حبس به جریمه نقدی، امکان آزادسازی زندانی را برای برگشت زندگی شرافتمندانه به جامعه هموار سازد. پذیرفتن تعزیرات حکومتی و اعمال آن براساس پذیرش اصل ولایت فقیه، از همین باب است (علی حبیبی، ۲۰۱۷، ص ۱۱۴-۱۱۳).

۳-۳. تشدید مجازات در صورت تکرار جرم

در جرایم حدی امکان افزایش مجازات مقدر شده وجود ندارد؛ اما در جرایم تعزیری، در صورت تکرار جرم، حاکم شرع می‌تواند مجازات او را نسبت به بار اول ارتکاب جرم افزایش دهد (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، ماده ۱۳۴).

تشدید مجازات تعزیری حتی بیشتر از تعداد حدی، در صورتی که بحث تعدد یا تکرار جرم مطرح باشد، با عقل و منطق سازگار است. مجازات مجرمی که یک بار مرتکب جرم شده با کسی که دوباره مرتکب همان جرم شده است تفاوت دارد و معلوم می‌شود که مجازات بار اول کافی نبوده و جنبه بازدارندگی و سرکوب نداشته است برای همین باید مجازاتش تشدید شود. در چنین مواردی تشدید مجازات تعزیری، منافاتی باقاعده فقهی «التعزیر دون الحد» (نجفی، ۱۳۶۲، ص ۶۹۷) ندارد.

۳-۴. درجه بندی تعزیر متناسب با جایگاه و موقعیت افراد

تعزیر یک شخص درست کار که برای بار اول مرتکب اشتباهی شده با تعزیر یک سابقه دار فرق می‌کند. به کار بردن یک کلمه نسبت به یک فرد درستکاری که بار اول مرتکب جرمی شده است؛ چه بسا از صدضربه شلاق بیشتر باشد. پس تعزیر مناسب او همان توبیخ کردن است و با این کار متاثر می‌شود؛ اما افراد سابقه دار جز با زندان و حبس و جریمه متاثر نمی‌شوند.

تعزیر، مثل امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب است و به شخصیت مجرم بستگی دارد. تعزیر باید از مراتب پایین شروع شود. اول تذکر داده شود بعد توبیخ شود و در صورت تکرار به مراتب شدیدتری مثل حبس برسد. در صورتی که قاضی یقین کند که مراتب خفیف‌تر مؤثر باشد، حق ندارد مجازات شدیدتر را اعمال کند.

تعزیر، مصادیق گسترده دارد و منحصر کردن آن به شلاق و حبس و جزای نقدی درست نیست و دلیل روشنی ندارد. از طرفی دیگر، هدف از تعزیر بازداشتن مجرم از ارتکاب مجدد است و چنانچه این هدف با درجات خفیفتر مثل سرزنش و توبیخ نتیجه دهد، نیازی به اعمال مجازات سخت‌تر نیست و مجازات شدیدتر او حرم است (طوسی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۹۸؛ نجفی، ۱۳۶۶، ج ۴۱، ص ۴۴۹)؛ زیرا اگر مجازات با جرم ارتكابی تناسب نداشته باشد از طرفی باعث ظلم به مجرم می‌شود و از سوی دیگر، زمینه را برای حرفه‌ای شدن مجرم و کشیده شدن او به فساد و تباهی بیشتر فراهم می‌کند؛ زیرا وقتی مجرم ببیند که دچار ظلم شده است، در صدد انتقام بر می‌آید و چنین مجازاتی تاثیر مثبت در وجود او ایجاد نمی‌کند بلکه نتیجه کاملاً برعکس می‌شود. مراتب تعزیر به خوبی از آیه سی و چهارم سوره مبارکه نساء به دست می‌آید آنجا که خداوند می‌فرماید: *وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ؛* و (اتنا) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آن‌ها دوری نمایید! (و اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود،) آن‌ها را تنبیه کنید!

توضیح این آیه در بحث مستندات قرآنی تعزیر بیان شده است.

۴. مستند تعزیر و مراحل آن در قرآن

در قرآن کریم نص صریحی بر جرایم تعزیری به معنای مصطلح وجود ندارد؛ اما با ژرف اندیشی می‌توان مواردی از حکم تعزیر را از برخی از آیات قرآن کریم استنباط کرد از جمله:

وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ (سوره نساء، آیه ۳۴)؛ و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آن‌ها دوری نمایید! (و اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آن‌ها به انجام وظایفشان نبود،) آن‌ها را تنبیه کنید!

نشوز معنای گستره دارد و هرگونه نافرمانی که موجب تضییع حق شرعی و قانونی شوهر را در پی داشته باشد را شامل می‌شود (مریم قبادی، ۲۰۱۴، ص ۱۴۴).

این آیه شریفه به زیبایی مراتب تعزیر را بیان کرده است. قرآن کریم سه مرحله از تعزیر را به رسمیت شناخته است:

۱-۴. فَعِظُوهُنَّ:

مرحله اول تذکر و تعزیر کلامی است. برای حل اختلافات زناشویی، بهترین راه، گفتگون کردن است. قرآن کریم به حل مشکلات از طریق گفتگو، تأکید نموده است. از طرفی فعل امر است و دستور به موعظه داده است. موعظه یعنی نصیحت از روی دلسوزی. سفارش قرآن است که اگر خانمی در انجام تکالیف خود نسبت به شوهر، سرپیچی کرد؛ در مرحله اول او را دلسوزانه تذکر بدهید. وظایف و تکالیفش را به او خاطر نشان کنید. از آنجا که حق و تکلیف در مقابل همدیگر است. اگر زن، تکلیفی در قبال شوهر دارد، حقوقی نیز بر عهده شوهر دارد؛ چنانچه حقوقش را شوهر مراعات می‌کند، به او دلسوزانه تذکر داده شود که در قبال دریافت حقوق باید تکالیف محول شده از جانب شرع را انجام دهد.

۲-۴. وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ:

دومین مرحله از تعزیر، استفاده از روش مبارزه منفی و تحریم طرف مقابل است. با تحریم رابطه، می‌توان اعتراض خود را به طرف مقابل فهماند تا عملکرد خودش را تصحیح کند. این مدل از تعزیر نیز مورد پذیرش قرآن کریم قرار گرفته است. قهر کرن و جدا کردن بستر، خود نوعی اعتراض به رفتار طرف مقابل است که به لحاظ روانی روی رفتار شخص می‌تواند تأثیر گزار باشد.

مراد از جداکردن بستر در این جا، جدا خوابیدن نیست، بلکه بی‌اعتنایی کردن به او در یک بستر است (محمد حسین طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۴۵) مثل پشت به او خوابیدن. همه این رفتارها، نوعی مبارزه منفی و تحریم رابطه با اوست تا متوجه اشتباه خودش بشود

۳-۴. وَأَضْرِبُوهُنَّ:

سومین مرحله از تعزیر مورد تأکید قرآن، ضرب است. مراد از ضرب تنبیه و تعزیر بدنی و فیزیکی است.

در اینکه کیفیت ضرب و نحوه آن چگونه است بین مفسران و فقها و اندیشمندان مسلمان اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. در کیفیت آن گفته شده که زدن در حدی باشد که موجب وارد شدن جراحت و شکستگی و حتی سیاه و کبود شدن بدن زن نشود (طبری، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۱۴؛ حلی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۵۹۷).

به نظر می‌رسد علت تجویز ضرب زنان در صورت نشوز آنان، تخطی زن از فرمان الهی است و کسی که فرمان الهی را نادیده بگیرد، مستحق تعزیر است. نشوز از حق مرد، بی‌تفاوتی به شرع است زیرا وقتی شریعت مرد را وادار به پرداخت حقوق زن نموده است؛ زن را نیز ملزم به رعایت وظایف و تکالیف او در قبال مرد نموده است. حال اگر زنی ضمن دریافت حقوق خود، از انجام تکالیفی که بردوشش گذاشته شده خودداری کند، نقض دستورات الهی است و بدین جهت است که مستحق ضرب است. ضرب زن توسط مرد، نقض حقوق زن و برتری مرد نسبت به زن تلقی نمی‌شود. بلکه از باب تادیب و تعزیر زن است. عدم نشوز زن حکم الهی است که

درجهت تأمین رعایت مصالح فردی و اجتماعی در نظر گرفته شده است. مقدار و کیفیت زدن بسته به شرایط و اوضاع و احوال دارد. ضرب درحدی باشد که ثمربخش باشد، ولذا ممکن است برای برخی از افراد درحدی که والدین فرزند خوردهسال خود را تأدیب می‌کنند کفایت کند و نسبت به برخی دیگر شدیدتر باشد. مهم در ضرب ثمربخش بودن آن است. حال اگر نسبت به زنی یقین حاصل شود که ضرب تاثیری ندارد؛ این جا دیگر زدن او بی‌فایده است. و باید راههای مثل طلاق را در پیش گیرد.

در صورت زدن، باید به پایین‌ترین مرحله که هدف را تأمین می‌کند اکتفا شود و هدف اساسی در زدن، اصلاح زن باشد نه کنیه توزی و انتقام‌گیری (سید احمد خوانساری، ج ۴، ص ۴۳۷).

در نتیجه، طبق آیه ۳۴ از سوره نساء، قرآن کریم، سیاست جنایی و کیفری اسلام بر تعزیر و مراتب آن را به خوبی بیان کرده است. هرچند این آیه به حکم خاص نشوز و راهکارهای آن می‌پردازد؛ اما می‌توان از آن به عنوان یک قاعده کلی بهره برده و در سایر موارد نیز از این راهکار قرآنی جهت مقابله با جرم و گناه استفاده کرد.

۵. نتیجه

یافته‌های این پژوهش به شرح ذیل است:

۱. مقدار تعزیر در شرع مشخص نشده است؛ بلکه حاکم شرع می‌تواند مقدار آن را با توجه به شرایط زمانی و مکانی و همچنین شرایط جانی و مجنی علیه، مشخص کند
۲. حاکم می‌تواند، نوع و مقدار مجازات تعزیری را تغییر دهد یا آن را به مجازات دیگری تعویض کند. مثل تغییر مجازات حبس به شلاق یا جزای نقدی و...
۳. مجازات تعزیری قابل تشدید است و حاکم می‌تواند نوع و مقدار مجازات را با توجه به شرایط جانی و جرم ارتكابی تشدید کند مثل تشدید مجازات تعزیری در صورت تکرار جرم.
۴. تعزیر دارای درجه‌بندی است. از مجازات خفیف شروع شده و مرحله به

مرحله تشدید می‌شود از تذکر و موعظه و نصیحت تا توییح و تبعید و شلاق و زندان... در صورتی که شخص با مراتب خفیفتر تعزیر اصلاح شود، اعمال مراتب شدیدتر مجاز نیست.

۶. فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن الأثیر الجزری، مجدالدین ابوالسعادات المبارک بن محمد (۱۳۶۷ ه. ش)،
النهاية
۲. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار
الاحیا التراث العربی، چاپ نخست، ۱۴۰۸ ه. ق.
۳. خوانساری، سید احمد، ۱۴۰۵، جامع المدارک، تهران، مکتبه الصدوق
۴. زجاجی، مالمیر، محمود. (۲۰۱۹). مطالعه تعزیرات منصوص شرعی در فقه و
حقوق کیفری ایران. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۷(۲۷)، ۱۳۱-۱۶۳.
۵. سبزواری، السید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ه. ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال
والحرام، مؤسسة المنار، قم، الطبعة الرابعة.
۶. شهید ثانی، زین الدین، ۱۴۱۳، مسالاک الافهام، بیجا، موسسه معارف
اسلامی
۷. شیخ طوسی، ۱۴۱۷، العدة فی اصول الفقه، قم، تیزهوش
۸. طالبی آشتیانی، محمد علی، باقری، احمد. (۲۰۱۹). بررسی جامع دورویکرد
فقهی متضاد در تعیین مقدار تعزیر. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۸(۲۸)،
۴۷-۷۷.
۹. طبری، محمد بن جریر؛ ترکی، عبدالله بن عبدالمحسن؛ و دار الهجر. مرکز
البحوث و الدراسات العربية و الإسلامية. (۲۰۲۲-۲۰۲۱). تفسیر الطبری (ج ۱-۲۶).
قاهره مصر: هجر.
۱۰. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ قم: جامعه مدرسین،
۱۴۱۷ ق.

۱۱. علی حبیبی، ضامن. (۲۰۱۷). مبانی فقهی جرمه مالی در فقه امامیه و فقه اهل سنت. حکومت اسلامی، ۸۳(۲۲)، ۸۷-۱۱۶.
۱۲. قانون کاهش مجازات تعزیری، مصوب ۱۳۹۹
۱۳. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، ماده ۱۳۴
۱۴. قبادی، مریم. (۲۰۱۴). نشوز؛ مصادیق و شیوه‌های برخورد با آن در قرآن کریم. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۲۴(۱۱)، ۱۳۷-۱۶۰.
۱۵. نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۶، جواهرالکلام، تهران، المكتبة الاسلامیه.

